



حجت الاسلام دکتر محمد جواد فلاح، دانش آموخته حوزه علمیه قم و فارغ التحصیل دانشگاه تهران، مدیر گروه و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف است. وی که نویسنده کتاب اخلاق همسایه داری و آپارتمان نشینی است در زمینه اخلاق همسایه داری و آداب آپارتمان نشینی، مطالعاتی نموده است. پایش اندیشه در این شماره، به مصاحبه با ایشان در مورد اخلاق آپارتمان نشینی از دیدگاه اسلام پرداخته است و به بررسی مهمترین معضلات و آسیبهای رایج در این نوع سکونت گاه‌ها اشاره و راه حل های دینی نیز برای آن ارائه شده است.

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پایش: تشکر می‌کنم از شما برای وقتی که در اختیار مجله پایش قرار دادید. این مصاحبه برای شماره ۵ این مجله صورت می‌گیرد، همان‌طور که می‌دانید مجله پایش که به بررسی مباحث اصلی سبک زندگی می‌پردازد. تاکنون بحث‌های عزاداری، شبکه‌های اجتماعی و مباحثی از این دست، که از مسائل اصلی سبک زندگی است، بررسی شده‌اند. یکی از معضلاتی که به دنبال گسترش شهرها در فرهنگ ایرانی رواج پیدا کرده و گریبان‌گیر خیلی از خانواده‌هاست آپارتمان‌نشینی است. در این شماره بنا بر این است که به سمت مسئله آپارتمان‌نشینی و آسیب‌های آن و از طرفی دیگر راهکارهایی که می‌توانیم از متون دینی برای این مقوله می‌توانیم پیدا کنیم برویم. ان شاءالله مصاحبه حضرت‌عالی مفید خواهد بود. برای شروع و مقدمه بحث اگر نکته‌ای دارید بفرمایید.

خیلی تشکر می‌کنم از جناب‌عالی بابت تلاش‌هایی که بخصوص در این مجموعه می‌کنید. با توجه به ضرورتی که حضرت‌اقام‌طرح کردند، شرایطی فراهم شد که کسانی در زمینه سبک زندگی تلاش کنند برای پیشگیری و رفع آسیب‌هایی که در سبک زندگی در ابعاد مختلف آن داریم؛ چه در ابعاد خانوادگی و اجتماعی و چه در ابعاد فردی. بحث سبک زندگی و ارتباطش با بحث آپارتمان‌نشینی، به تعبیری نوع جدید از همسایگی، چند مؤلفه را دربر می‌گیرد که عرض خواهیم کرد؛ حالا در عین حال ما با توجه به این مؤلفه‌ها باید تغییری را که می‌خواهیم

ایجاد کنیم در گیرودار تغییراتی که در جوامع بشری اتفاق می‌افتد، مسائلی پیش می‌آید که جامعه ما هم فارغ از آن نیست و با آن در ارتباط است، مانند شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحث آپارتمان‌نشینی. آپارتمان‌نشینی از زمان قاجار شروع شد و در زمان پهلوی در کشور ما شروع به شکل گرفتن کرد و کم‌کم دامنه‌اش گسترده شد تا الان که به عنوان مسئله‌ای جدی مطرح شده است. خانواده‌ها به این قضیه اقبال پیدا کردند و شاید خیلی از عوامل دست به دست هم دادند تا این نوع از همزیستی افراد کنار یکدیگر شکل بگیرد. من فکر می‌کنم ما باید ببینیم با این فضای موجود چه باید کرد؟ چه اتفاقی باید بیفتد که بتوانیم آسیب را در این نوع آپارتمان‌نشینی و این نوع از زندگی کنار هم افراد، به حداقل برسانیم. ولی یکی از نکات مهم و شاید یکی از مسائل مهم سبک زندگی همین نوع از همزیستی است که باید از مقدمه‌اش آگاه باشیم تا اهمیتش را بدانیم. شاید اهمیت آپارتمان‌نشینی و مسائل کسانی که در آپارتمان با هم زندگی می‌کنند برگردد به همسایگی و اگر بخواهیم نگاه دینی به آن داشته باشیم و در متون دینی مان تفحصی کنیم می‌بینیم مسئله همسایه خیلی جدی تلقی شده است و در کنار این، آسیبی که در سبک زندگی بیشتر متوجه آن هستیم شاید بشود بگوییم عدم توجه به این اهمیت است. خیلی وقت‌ها ممکن است ما خیلی ساده از کنار همسایگی عبور کنیم، بدون اینکه دقت کنیم که خود متون و شارع مقدس و معصومان به مسئله همسایه توجه داشته‌اند و وقتی این توجه و اهمیت

کم می‌شود خود به خود ساختار فکری و اندیشه‌ای مردم در مسئله همسایه تضعیف می‌شود. در نتیجه گرایش و عواطف مردم بر الزاماتی که باید در جامعه همسایگی با یکدیگر داشته باشند خیلی کم تحریک می‌شود. وقتی این‌گونه شد قطعاً سازوکار ارتباطی که بین افراد صورت می‌گیرد یک سازوکار کاملاً سهل‌انگارانه است. در جامعه الان ما مسئله همسایگی جدی تلقی نمی‌شود؛ هم در همسایگی عادی که افراد هم‌جوار یکدیگر زندگی می‌کنند و هم در بحث آپارتمان‌نشینی، در آپارتمان‌نشینی شاید این همسایگی، با این نوع جدید از همزیستی که اتفاق افتاده است، الزامات دقیق‌تر و خاص‌تری دارد یعنی باید نگاه ویژه‌ای به آن داشته باشیم. منتهی شاید بشود بگوییم وقتی مسئله همسایگی را نگاه می‌کنیم، نقطه آغاز در این است که چه کنیم که در بحث سبک زندگی مردم - در آپارتمان‌نشینی به معنای خاص و همسایگی به معنای عام - اتفاقی بیفتد که رفتارها اصلاح شود و به سمت جامعه‌ای برویم که در آن همسایه‌ها حقوق یکدیگر را رعایت کنند و به اخلاق همسایگی پایبند باشند و الزاماتش را رعایت کنند؛ البته آسیب‌ها و الزامات سر جای خودش.

پایش: یعنی نقطه محوری بحث همسایه و همسایگی است و در بحث شناسایی آسیب یا راهکار باید روی بحث همسایه در متون دینی تکیه داشته باشیم.

در متون دینی مسئله همسایه خیلی جدی تلقی شده است. حالا این نکته را عرض می‌کنم که خیلی جالب است. وقتی در خود متون دینی می‌رویم



از آیات به‌صراحت به بحث همسایگی اشاره کرده است. آیه تقسیمی ارائه می‌کند که می‌توانیم بگوییم دامنه‌اش به آپارتمان‌نشینی کشیده می‌شود؛ یعنی یک نوع از همسایگی را در این آیه تعریف می‌کند. این همسایگی حتی می‌رود به سمت فرض کنید خانه‌های آپارتمانی. در آیه ی ۳۶ سوره نساء آمده است «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ» خیلی جالب است، تقسیمی می‌کند و بعضی از رفتارهای اجتماعی ما را کنار ایمان به خدا و عدم شرک گذاشته است. اینکه می‌گوییم اندیشه و تفکر عقلانی و عقایدمان و باورهایمان با رفتارهایمان پیوند دارد یعنی ما می‌بینیم کنار مسئله ایمان به خدا مسئله همسایه را مطرح می‌کند، می‌گوید خوش همسایگی نشانه ایمان است و اگر کسی همسایه‌اش را آزار بدهد مؤمن نیست. توجه کنید هم ایمان را به خوش همسایگی گره می‌زند و هم سلب ایمان را به همسایه آزاری معصومان می‌گویند کسی که نسبت به همسایه مراعات نمی‌کند از ما نیست. در این آیه می‌گوید عبادت کنید و شرک نداشته باشید و در فراز آخر و بالوالدین احسانا را می‌گوید. این احسان به چه کسی باشد؟ می‌گوید و الجار ذی القربى و الجار الجنب، ذی القربى را همسایه نزدیک و جنب را همسایه دور گفته‌اند. حالا من فکر می‌کنم این ذی القربى، که می‌گوییم همسایه نزدیک است، شاید جان‌مایه‌اش را در همسایگی آپارتمانی نشان می‌دهد، یعنی وقتی مواجه می‌شویم با همسایگی آپارتمانی، قرابتی که گفته‌اند خودش را نشان می‌دهد یعنی

اوجش در این آیه نشان داده شده است که مسئله احسان مطرح می‌شود. ولی ایده‌های دیگری هم هستند. فرض کنید در آیات قرآن داریم که فرموده است یمنعون الماعون، که بحث ماعون را مطرح می‌کند. ماعون را به کسانی اطلاق می‌کنند که همسایه‌ها را از آن نیازهایی که دارند منع می‌کنند. کلیت این آیه‌ها این است که مسئله آپارتمان‌نشینی، که یک نوع از همسایگی بسیار نزدیک افراد است، قطعاً الزاماتی را می‌طلبد که ما باید به آن الزامات پایبند باشیم و نقطه آغاز در حرکت به سمت سبک زندگی مطلوب در آپارتمان‌نشینی، فهم اهمیت همسایگی است. حالا این فهم چگونه اتفاق می‌افتد؟ با آموزش و راهکارهایی که در سیاست‌های کلان و جزئی پیش‌بینی کنیم. اگر این اهمیت فهم شود آرام آرام گرایش افراد به مراعات این الزامات اتفاق می‌افتد و در مرحله عمل می‌بینیم انسان‌ها تغییر رفتار می‌دهند. اینکه مؤلفه‌های این اهمیت چیست را بعد می‌گوییم که یک بخش آن را به لحاظ روان‌شناسی بحث کرده‌اند و بخش دیگری را در مواردی که در متون دینی منعکس شده است، اینکه مبنا و معیار ما در این اهمیت چه باشد خیلی مهم است، یعنی اگر نگاه ما یک نگاه سودانگاران باشد فرق می‌کند، اگر مبنای ما مبنای الهی و توحیدی باشد باز نگاه فرق می‌کند و این خودش جای بحث دارد.

پایش: شمای بحث کاملاً روشن شد و محور خاصی به بحث داده شد. سراغ بحث‌های مقدماتی‌تر برویم، چه شد که آپارتمان‌نشینی وارد ایران شد و مردم به سمت آپارتمان‌نشینی رفتند که برای بحث روانی آپارتمان

خیلی مهم است.

جدای از اینکه چه شد به این سمت آمد، باید وضعیت فعلی جامعه را یک مقدار رصد کنیم که شاید مقداری کاربردی‌تر باشد؛ چرا الان خانواده‌ها به سمت آپارتمان‌نشینی آمدند؟ فرهنگی به همه جوامع تحمیل شد و ما از این فرهنگ متأثر شدیم؛ فرهنگ آپارتمان‌نشینی به این صورت که ساختمانی دو طبقه و این شکلی داشته باشیم. فرض کنید کسانی که خانواده‌های مرفه و اشراف بودند ساختمان‌های چند طبقه داشتند یا فرض کنید خود ایبانه که یکی از بافت‌های قدیمی و برای دوران ساسانی است همین رویکرد را داشته که ساختمان‌های چند طبقه داشته‌اند. ولی قطعاً این ساختمان‌های چند طبقه برای افراد یک خانواده بوده‌اند که در این‌ها زندگی می‌کرده‌اند. جدای از ساختمان‌هایی که افراد کنار هم زندگی می‌کنند ولی کاملاً از یکدیگر بیگانه هستند، ممکن است بالاخره خویشان و اقوامی باشند و با هم آپارتمان‌هایی داشته باشند ولی الان در آپارتمان‌ها می‌بینیم افرادی از قوم و قبیله‌های مختلف و با اختلاف فرهنگ‌ها کنار هم قرار می‌گیرند و زندگی می‌کنند. شاید هجومی که افراد به شهرها آوردند دلیل این مسئله باشد. یعنی تمرکز مسائل رفاهی در شهرها و قابلیت‌هایی که افراد می‌توانستند در آنها رشد کنند زمینه‌ای ایجاد کرد که مردم بیایند و در شهرها اجتماع کنند؛ اما ظرفیت شهرها طوری نبود که همه افراد را بپذیرد، بر خلاف شهرهای بزرگ دنیا که به‌واسطه داشتن امکانات و مسائل رفاهی قابلیت پذیرش را داشته‌اند. این زمینه



ایجاد شد که در کشور ما اتفاق بیفتد و الان با آن مواجه هستیم و اگر آمار بگیرید دقیقاً متوجه می شوید که چقدر از روستاها به شهرها مهاجرت کرده اند؛ نتوانستیم با یک ساماندهی خوب، اوضاع روستاها را طوری بکنیم که هر کس بخواهد رشد کند قابلیت هایش فراهم باشد. اگر الان هم رصد کنند روستاها از جمعیت خالی شده و مردم، همه برای اینکه می خواستند رشد کنند به شهرها آمدند و این مسئله آرام آرام به عنوان یک فرهنگ پذیرفته شد. اگر کسی می خواست در شهر سکونت کند، شاید کم هزینه ترین، راحت ترین و آسوده ترین شرایطی که می توانست برای زندگی فراهم کند مسئله آپارتمان بود؛ چون با هزینه این زمینه ایجاد می شد که بتواند زندگی کند و این قابلیت برایش بود که بتواند از مسائل رفاهی که در شهر بود استفاده کند. قابلیت های آموزشی، پیشرفت، شغل و این گونه مسائل دست به دست هم دادند تا چنین شکلی از زندگی اتفاق بیفتد. الان هم مواجه هستیم در خیلی از روستاها شرایط به گونه ای است که تا فرزندشان به یک مقطع تحصیلی می رسد کل خانواده کوچ می کند؛ زیرا ما نتوانستیم مسئله کشاورزی و دامداری را به عنوان شغل جابیندازیم. این خودش یک ضلع از این سبک زندگی است؛ یعنی چون نگاهی که از اول به مسئله شغل و کار شد درست نبود. فرض کنید بعضی از مشاغل درجه اول تعریف شدند و کشاورزی و دامداری، در فرهنگ عمومی و در فرهنگی که بچه مدرسه می رفت، یک شغل درجه چندم به شمار آمدند؛ شغلی که خیلی به لحاظ ارزشی نگاه خوبی به

آن نمی شد. این باعث شد که این شرایط آپارتمان نشینی شکل بگیرد. این شرایط هنوز ادامه پیدا کرد و مردم اقبال دارند که به شهرها بیایند، سکونت پیدا کنند و این نوع همزیستی و کنار هم بودن اتفاق بیفتد.

پایش؛ فارغ از این بحث ها، با توجه به اینکه بحث آپارتمان نشینی گسترش زیادی پیدا کرده و معضلات زیادی داشته است قبل از اینکه وارد بحث آسیب ها و مدل خاصی از بحث آپارتمان نشینی و همسایه داری از نگاه اسلام بشویم، آیا به عنوان یک بحث اجمالی آیا ما داریم مدلی که در منابع و متون دینی برای این نوع زندگی مدلی داریم؟ زندگی ای که خیلی متلاطم است، حقوق همسایگی خیلی سخت تر می شود و همسایه ها ارتباط زیادی با هم دارند؛ آیا اسلام برای این نوع زندگی مدلی دارد یا نه؟

ما نمی توانیم در فضای اسلامی صریح این چنین همزیستی را در چنین مدل و قالبی تصویر کنیم. اما اگر بخواهیم به لحاظ فرهنگی و بر اساس آموزه ها و نگاهی که خود دین دارد نگاه کنیم همان طور که عرض کردم آیه قرآن، مجموعه ای از همزیستی افراد کنار هم را ترسیم می کند که این ها یک رابطه شبکه ای نزدیک با هم دارند و وقتی در دین تعالیم معصومان می بینیم همسایگی را تعریف کرده اند و گفته اند حدود همسایگی چیست، به اهمیت همسایگی در نگاه دینی پی می بریم. حدود را وقتی تعریف می کنند می گویند چهل منزل از راست و چپ و روبه رو و پشت سر؛ یعنی نقطه مرکز دایره ای را در نظر بگیرید که شعاعش به اندازه چهل خانه

است، دایره ای که چهل خانه را دربرمی گیرد؛ در این سیستم افراد در کنار هم هستند و با هم همزیستی دارند. ولی این که بگوییم در زندگی ای که در بین مسلمانان بوده، چنین مدلی از کنار هم بودن (آپارتمان نشینی) داشته ایم، شاید کمتر اعتقاد داشته باشیم و بتوانیم دریافت کنیم؛ مگر اینکه برخی نمونه های همزیستی را که بر اساس شرایط خاصی که افراد زندگی می کرده اند یا در جنگ ها و شرایط خاصی که در برج ها بوده اند از این همزیستی بدانیم و به آن شکل تصور کنیم. ولی مهم این است که ما از آموزه های دینی و بر اساس تعالیمی که اهل بیت علیهم السلام فرموده اند به یک سری الزامات و باید و نبایدهایی دست پیدا کنیم که مسئله همسایگی را بسیار مهم تلقی می کند. عرض





کردم نقطه آغاز تغییر نگرشمان و در مسئله همسایگی باید این اهمیت باشد؛ یعنی همسایه و مردم فهم کنند که همزیستی در محیط‌های آپارتمان‌نشینی هم به نام همسایگی، ایجاد حق می‌کند، کما اینکه در روایت آمده است که اگر کسی به تو نزدیک باشد، به واسطه مؤمن بودنش حقی بر گردن تو دارد و به واسطه مسلمان بودنش حقی بر گردن تو دارد ولی همسایه بودنش اصلاً حق جدا ایجاد می‌کند. عرض کردم در خود کلام ائمه علیهم‌السلام آمده است که این قدر مسئله همسایه برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مهم بود که حضرت دائماً توصیه می‌کردند این قدر مسئله همسایه مهم بود که جبرئیل خیلی سفارش می‌کرد و حتی در کلامی از معصوم رسیده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گفت همسایه از همسایه ارث می‌برد. این مسئله تا این حد مهم بود و روایات زیادی دارد. ابعاد اهمیت را جای خودش بحث می‌کنیم.

**پایش:** چگونه می‌توانیم از دین یک مدل آرمانی برای همسایه‌داری داشته باشیم که برای پیش‌گیری از آسیب‌های این مسئله آموزش بدهیم و مردم به این سبک پیش بروند.

دو اتفاق باید در این زمینه بیفتد. اولی مربوط به مهندسی ساختمان‌ها و بحث فیزیکی ساختمان است که خیلی مهم است و باید سیاست‌گذاری شود. بعضی از افراد جداگانه و بعضی از مهندسان با هم بحث کرده‌اند که آپارتمان‌ها را با چه ساختاری، چه سازدای و با چه ویژگی‌هایی طراحی کنیم که این آسیب‌ها و مشکلاتی که در بحث همسایگی آپارتمان‌نشینی هست، این‌ها نباشد، در معرض این آسیب‌ها

نباشیم و پیش‌گیری کنیم یا کمش کنیم. چرا؟ چون الان در این نوع از هم‌نشینی و مجاورت افراد با وضعیتی که در آپارتمان‌ها داریم آسیب‌ها خیلی جدی است؛ مخصوصاً اگر افراد به لحاظ عقیدتی و بینشی و تفکرات اعتقادی و مذهبی به هم نزدیک نباشند، اختلاف فرهنگی داشته باشند و اصلاً مبانی اعتقادی و فکری‌شان با یکدیگر متفاوت باشد. محیط خودبه‌خود زمینه ایجاد می‌کند که آسیب‌ها اتفاق بیفتد و ما قبل از اینکه افرادی ببینند و در کنار هم قرار بگیرند باید نحوه آپارتمان یعنی نحوه سازوکار و ساختمان‌ها را به شکلی پیش‌بینی کنیم که این آسیب‌ها کمتر شود. مثلاً مدلی از ساختمان‌ها را داریم که در یک طبقه چهار در روبه‌روی یکدیگر باز می‌شود، ضمن اینکه خود این طبقات نسبت به طبقات بالایی و پایینی مسئله صدا و ارتباطاتی که ممکن است اتفاق بیفتد را دارند. بخواهیم وارد جزئیاتش شویم خیلی دغدغه است که می‌شود به عنوان آسیب‌های جدی مطرح کرد. بیاییم طراحی کنیم و در این طراحی ستون دینی در ساختمان حفظ شود. فرض کنید در سیستم داخلی ساختمان اگر بخواهیم آشپزخانه به شکل این باشد چطور باشد آسیب‌های اخلاقی، مشکلات بحث حریم خصوصی و حفظ اندرون خانه و بحث‌هایی که در مبانی دینی مان آمده است در نظر گرفته شود. چه اتفاقی باید بیفتد؟ ما باید یک همفکری و یک پایش افکار و هم‌افزایی بین کسانی که در طراحی و مهندسی ساختمان‌ها هستند داشته باشیم. این‌ها بنشینند به لحاظ اخلاقی آسیب‌ها را بررسی کنند و ببینند

چطور می‌توانند ساختمان‌ها و آپارتمان‌هایی طراحی کردند که با کمترین مشکل مواجه باشیم. حالا این مشکل، مشکل بصری است، یعنی چطور می‌توانند ساختمان‌ها را طراحی کنیم که بحث کنترل نگاه حفظ شود. بله یک بار می‌گوییم یک نفر باید خویشتن‌داری کند چون فرمود **عَصُوا ابصارکم**، باید چشم‌تان را پایین بندازید، ولی یک بار ما می‌توانیم کاری کنیم که این مشکل به حداقل برسد. جوانی که در خانه آپارتمانی هست دائماً در معرض نگاه کردن است، یک بار، دو بار چشمش را می‌اندازد پایین ولی دفعه‌های بعد نمی‌تواند. باید فکر کنیم به چه مدلی برسیم؟ آیا درب‌ها به نوعی مجزا شود؟ یا فرض کنید نحوه طبقات به شکلی باشد که نیم طبقه بخورد؟ و مثل اینها.

**اندیشه و تفکر عقلانی و عقایدمان و پاورهایمان با رفتارهایمان پیوند دارد. قرآن کریم نیز کنار مسئله ایمان به خدا مسئله همسایه را مطرح می‌کند و می‌گوید خوش‌همسایگی نشانه ایمان است و اگر کسی همسایه‌اش را آزار بدهد مؤمن نیست.**

**پایش:** به قول قدیمی‌ها، معماری قدیم که ما داشتیم از آموزه‌های ارزشی ما نشأت می‌گرفت و اندرونی و آشپزخانه داشت. برداشتی که از فرمایشات حضرت عالی می‌کنم این است که حالا که ناگزیر از آپارتمان هستیم بیاییم بر اساس آموزه‌های اسلامی معماری‌مان را طوری طراحی کنیم که به آن آموزه‌ها آسیب نرسد.





تلاشمان این باشد که بر اساس معماری‌ای که صورت می‌گیرد و تلاشی که مهندسان می‌کنند، در ساختار فیزیکی آپارتمان فضایی را ایجاد کنیم که با کمترین آسیب مواجه باشیم؛ طوری که چه به لحاظ بصری و شنیداری و چه به لحاظ مرادواتی که ممکن است اتفاق بیفتد کمترین مشکل را در این زمینه داشته باشیم. فرض کنیم بتوانیم طرحی بدهیم که خانواده‌ها را در اولویت زندگی آپارتمانی قرار بدهیم، یعنی به نحوی پیش‌بینی کنیم که خانواده‌هایی که قربت خویشاوندی بیشتری با هم دارند در اولویت باشند برای اینکه در جوار هم زندگی کنند. قدیم نوعی از آپارتمان‌نشینی عرضی را داشتیم نه به صورت طولی؛ مثلاً یک خانواده بزرگ بود مثلاً ۶-۵ برادر در یک منزل بزرگ کنار هم به صورت دایره‌ای زندگی می‌کردند. این‌ها با هم برادر بودند، منزلشان بزرگ بود و همه در یک ساختمان با هم و کنار هم زندگی می‌کردند، بدون اینکه با آن آسیب‌ها مواجه باشند و مسائل عفاف و این موارد حفظ می‌شد؛ یک آپارتمان‌نشینی به شکل عرضی، نه طولی. ما این را طراحی کنیم؛ چه به لحاظ سیاست‌گذاری، یعنی مسئله فیزیک ساختمان، مسئله شکل و نما و حتی طراحی اندرونی حتماً پیش‌بینی شود، اتاق بچه‌ها پیش‌بینی شود. الان بعضی خانواده‌ها آپارتمان را طوری طراحی کرده‌اند که یک در به اتاق مهمان‌ها باز می‌شود و وارد اندرونی نمی‌شوند و پیش‌بینی کرده‌اند که این اتاق با اندرونی خانه ارتباطی داشته باشد، مثلاً آن را از طریق یک دریچه به آشپزخانه متصل کرده‌اند. آشپزخانه این‌ها حیرت‌انگیز است

نمی‌شود، خانم خانواده مشغول فعالیت است و همه نشست‌اند خیلی آسیب‌های دیگر که به اندرونی مربوط است. گاهی هم آسیب نسبت به واحدهای مجاور مطرح است مثل مسئله صدایی که گاهی منتقل می‌شود و یا آسیب‌هایی که معمولاً آمده‌اند نقل کرده‌اند. حالا بحث حقوق آپارتمانی و بحث اینکه کنار یکدیگر چه الزاماتی باید داشته باشد یک مسئله دیگر است. مسئله اول، پیشگیری است که در مسئله فیزیک ساختمان دقت کنیم و ببینیم چه سیاست‌هایی را می‌توانیم در مهندسی اعمال کنیم. نکته دوم آموزش است یعنی اگر مسئله آپارتمان و طراحی آن را بحث می‌کنیم قبل از آن مسئله آموزش حقوق آپارتمان‌نشینی را داشته باشیم. یک سری قوانینی وضع شده است و در

مجلس کم‌وبیش بحث‌های این‌طوری را و مسئله اخلاقیات مطرح کرده‌اند؛ یعنی آموزش اخلاق همسایه‌داری و همسایه‌نشینی به عنوان یک اصل مهم برایمان دغدغه باشد. این آموزش از خود خانواده شروع می‌شود تا آموزش و پرورش و رسانه و نهایتاً فضا‌هایی که درگیر هستند مثل شهرداری‌ها که باید به مسئله اخلاق شهروندی و بحث‌های این‌طوری بپردازند، سیستم‌های فرهنگی، سازمان‌های فرهنگی و NGOها که کار می‌کنند، مثل کاری که شما زحمت می‌کشید. فکر می‌کنم این‌ها آرام‌آرام می‌تواند مسئله آموزش را پیش بکشد و جدی کند. وقتی با آموزه‌های دینی مواجه می‌شویم چه چیزی مسئله آپارتمان‌نشینی و همسایگی را دچار مشکل کرده است؟ اول غافل شدن از اهمیتی که در آموزه‌های



دینی مان داریم و دوم فضایی که همسایه‌ها می‌توانند در ارتباط با هم، فرهنگ و مبانی اعتقادی و رفتار هم را شکل بدهند.

**پایش:** در واقع این مدلی که می‌توانیم برای بحث آپارتمان‌نشینی پیدا کنیم، همان مباحث و مدل بحث همسایه داری است.

باید ببینیم در بحث همسایه داری چه الزاماتی را معصوم گفته است، یعنی می‌خواهیم بسته‌ای را درباره مسئله همسایگی از متون دینی مان، که آیات باشد و روایات معصومان علیهم السلام است، تهیه کنیم. اولین مسئله که مواجه هستیم مسئله اهمیت است، یعنی تا جایی که شده معصوم محدوده همسایگی و الزامات همسایگی را گفته و مراقبه و توجه و تحذیر به مسئله همسایگی داده است، یعنی معرفی این اهمیت دغدغه معصومان بوده است؛ این نکته اول است.

نکته دوم مسئله الزامات همسایگی و بحث خوش همسایگی و ارتباط با همسایه است.

نکته سوم آسیب‌ها و مشکلات همسایگی است که مطرح و نهی کرده‌اند. یک سری دستورالعمل درباره همسایه داریم و یک سری نیایدها که معصومان از آن سخن گفته‌اند و می‌توانیم بر اساس آن مدلی را تعریف کنیم که در آن مدل هم افراد نسبت به هم دغدغه‌هایی پیدا کنند، هم یک سری باید و نبایدهای اخلاقی شکل بگیرد و هم حقوق همسایگی رعایت شود. منتها وقتی این بسته را در آپارتمان‌نشینی مطرح می‌کنیم قطعاً متناسب با آن شرایط و فضا خودش را نشان

می‌دهد و بر اساس آن الزامات باید به علیکم بتفریح را انجام بدهیم؛ یعنی باید این فروع را استخراج کنیم و ببینیم در ارتباط با همسایه‌هایی که در یک آپارتمان زندگی می‌کنند این جزئیات به چه صورتی است، در اصل آنها را رصد کنیم.

**پایش:** راهکارهای خوبی ارائه فرمودید. فضای کاربردی آموزش مهم بود و خیلی از مشکلات آپارتمان‌نشینی را حل می‌کند، اما آپارتمان‌نشینی الزاماتی دارد از جمله مدیون‌های مالی که اتفاق می‌افتد و گریزی از این نیست که با آموزه‌های اسلامی و آموزشی این‌ها را حل کنیم. بعضی آقایان به جهت همین آسیب‌هایی که وجود دارد می‌فرمایند که اصلاً اسلام کلاً با آپارتمان‌نشینی مخالف است اما حالا که داخلش هستیم درباره مسائل مالی و مشکل‌های دیگری که پیش می‌آید اسلام غیر از این مواردی که فرمودید چه راهکاری برای برون‌رفت از این آسیب می‌تواند ارائه کند؟ راهکار علمی.

مسئله همسایگی در قالب آپارتمان‌نشینی دو بحث مهم دارد: یکی چالش‌ها و آسیب‌های مادی و که جزء مسائل دنیایی قصه می‌شود و یکی بحث‌های معنوی است که باید این اتفاق بیفتد. ما گاهی در ساختمان و محیطی که هستیم با آسیب‌های مادی مواجه هستیم؛ یک سری تعارضات اتفاقات این‌طوری و گاهی هم یک سری مشکلات با بحث مسائل معنوی داریم. بخشی از این هم در قالب خود حقوق بیان شده است، یعنی حقوقی که به اخلاق گره خورده است. در اصل این مسئله باید به گونه‌ای اتفاق بیفتد و بتوانیم به سمت راه‌حل‌ها برویم که افراد را در یک سری مبانی مشترک به اتفاق نظر برسانیم. همه

اصراری که اهل بیت علیهم‌السلام دارند این است که ما به آن مبانی توجه داشته باشیم. حالا این مبانی چیست؟ در نگاه اخلاقی‌ای که بعضی از دیدگاه‌های نتیجه‌گرا و لذت‌گرا و سودگرا دارند محور ارتباطاتشان مسئله سود و منفعت است که الان جامعه غربی گرفتارش شده، به گونه‌ای که همسایه از همسایه خبر ندارد. به قول شاعر که گفت: «بیگانگی نگر که من و یار چون دو چشم / همسایه‌ایم و خانه هم را ندیده‌ایم»؛ الان اینطوری شده است. برای دو تا همسایه که یکدیگر را ندیده‌اند مثال دو چشم را می‌زند که در کنار هم هستند ولی هیچ وقت یکدیگر را ندیده‌اند. الان مسئله‌ای که در جامعه ما اتفاق افتاده است به این سمت می‌رود که روابط همسایه‌هایی که در یک واحد آپارتمانی با هم زندگی می‌کنند بر اساس سود و منفعت است؛ یعنی می‌گوییم این همسایه و ارتباط







بگیرید و به آنها توهین و جسارت و پرخاش نکنید. از طرفی هم همسایه‌ای در طبقه پایین زندگی می‌کند که بیمار دارد. اینجا اینکه عرض کردم باید فیزیک ساختمان را طوری طراحی کنیم که این مشکلات را کمتر کنیم روشن می‌شود. جدای از فیزیک ساختمان، من در این چالش باید چه کار کنم که ضمن اینکه حق این بچه رعایت شود بتوانم مسئله همسایه را رعایت کنم. خیلی جالب است که در سیستم دینی ما بعضی از احادیث برای زندگی آپارتمان‌نشینی طراحی شده است؛ چرا؟ چون در روایت درباره خوش‌همسایگی و اینکه شما وقتی همسایه یکدیگر هستید باید مراعات کنید فرمود: خوش‌همسایگی این نیست که همسایه را آزار ندهی، حسن الجوار این نیست که همسایه‌ات را آزار ندهی، بلکه خوش‌همسایگی این است که حتی آزار همسایه را تحمل کنی. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید که در آن می‌گوید خدایا تو به من کمک کن که نه تنها آزار همسایه را تحمل کنم، بلکه حتی بتوانم در حق آنها خوبی کنم یعنی چیزی فراتر.

باز در روایت داریم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «حسن الجوار یزید فی الرزق»<sup>۱</sup> رزق تو را زیاد می‌کند؛ حتی «حسن الجوار یعمّر الدیار و یزید فی الاعمار»<sup>۲</sup> دیار شما را آباد می‌کند، زندگی شما را آباد و عمر شما را طولانی می‌کند. نگاهی که دین می‌دهد هم نگاه دنیوی است، منتها دنیوی‌ای که در راستای آخرت است و بعد معنوی را تأمین می‌کند. چرا دین این همه تأکید می‌کند و می‌خواهد انسان از خودمحوری بیرون بیاید؟ چون انسان اگر به بی‌تفاوتی، عادت کند کم‌کم نسبت به همسر و فرزندان و خویشانش بی‌تفاوت می‌شود. اگر یاد بگیرد که بی‌تفاوت باشد و فقط به منافعش فکر کند، دچار مشکل می‌شود.

درباره سؤالی که فرمودید که در مشکلاتی مثل مسئله راه پله و سروصدای در راه پله یا مشکلاتی که فرد ممکن است ایجاد کند باید چه کار کنیم برای مثال کسی بنا دارد ساعت یازده بخوابد و بنا است بچه‌اش صبح بلند شود که یک دفعه مهمان می‌رسد، این مهمان سروصدا می‌کند و بچه‌ها بلند می‌شوند و از خواب بیدار می‌شود. می‌خواهم تعارض و چالشی را در همسایگی مطرح کنم؛ فرض کنید یک خانواده دو فرزند پسر مثلاً ۶-۷ ساله بازیگوش دارد که خیلی تکاپو و تلاش دارند و خیلی شلوغ هستند. از یک طرف دستور داده شده است که بچه‌ها را در فضای آزاد بگذارید، به بچه‌ها میدان بدهید که خودشان را تخلیه کنند، این‌ها پادشاه هستند و تا می‌شود حقوق این‌ها را در نظر بگیرید؛ یعنی اخلاق و حقوق کودکان را در نظر

با این همسایه برای من منفعتی دارد یا نه. چرا من با این ارتباط داشته باشم؟ وقت من گرفته می‌شود؛ من کار و زندگی دارم؛ اصلاً هر چه من از این همسایه فاصله بگیرم به منافع من نزدیک‌تر است و من سود بیشتری را خواهم برد. ولی در نگاه دینی این چنین نیست؛ در نگاه دینی ارتباطی که می‌خواهد شکل بگیرد ارتباطی است با جهان بینی و نگاه خاص، اینجا هم نتیجه هست ولی نتیجه در گرو کمال انسان است. این کمال ابعاد مختلف دارد، یک بعد اخلاقی دارد یعنی کمالات اخلاقی من کی ظهور و بروز پیدا می‌کند؟ وقتی من در ارتباط همسایه قرار بگیرم و بدانم او کمک می‌خواهد و من کمک کنم، بدانم او صیانت و دفاع می‌خواهد و من دفاع و صیانت کنم، و بدانم همسایه‌ای نیازی دارد و مشکلتش را رفع کنم و دغدغه همسایه را داشته باشم. نظام دینی می‌گوید این کار برای انسان کمالی را ایجاد می‌کند که هم بعد دنیایی او را تأمین می‌کند و هم بعد آخرتی و معنوی‌اش را. روایات خیلی جالبی داریم که بایسته‌های اخلاقی را درباره همسایه مطرح می‌کند و منافع را عنوان می‌کند. خیلی جالب است ضمن اینکه مسئله حقوق را عرض خواهم کرد درباره مسئله خوش‌همسایگی روایات زیادی داریم «من حسن جواره کثر جیرانه»، کسی که خوش‌همسایه باشد همسایه‌اش زیاد می‌شود؛ یعنی شما فکر نکنید اگر همسایه خوبی باشید ضرر می‌کنید، چون ممکن است جایی در زندگی گرفتار شوی که همسایه‌ها باید به داد شما برسند.





از این امام می‌گوید نه تنها تحمل کنی بلکه در حقش خوبی کنی. یعنی وقتی آزار می‌دهد تو بتوانی در ازای بدی‌ای که می‌کند در حق او خوبی کنی. و روایات بی‌شماری در این زمینه داریم که باید آموزش داده شود؛ اینکه ما چه کار کنیم که فضا تلطیف شود. من فکر می‌کنم اگر بدانیم مسئله همسایه جدی و مهم است و اگر بتوانیم این را آموزش بدهیم و منتقل کنیم. رسانه باید همت جدی کند؛ کاری که ما برای مرکز پژوهش‌های صدا و سیما کرده‌ایم رویکرد رسانه‌ای بود. این دغدغه‌اش زمانی در ذهن من شروع شد که دیدم این زندگی‌هایی که سریال‌ها مخصوصاً سریال‌های طنز، نشان می‌دادند یک زندگی آپارتمان نشینی بود که مسائلی مثل بددهنی، فحاشی، گله کردن، ناسزا گفتن، تحقیر کردن، تجسس کردن، فال گوش بودن و آزارهایی که ممکن است در هم‌جواری به سهولت نمایش داده می‌شد و اصلاً تقبیح هم نمی‌شد. این فضا در رسانه مطرح می‌شد، حالا اگر رسانه بتواند در این فضا همدلی را نشان بدهد، اتحاد را نشان بدهد و آن ثمراتی که با خوش‌همسایگی اتفاق می‌افتد را نشان بدهد و بتوانیم کم‌کم یک مدل‌ها و الگو‌هایی را در جامعه مطرح کنیم، فکر می‌کنم آن وقت جامعه به سمتی می‌رود که ضمن تلاش برای حفظ حرمت همسایه و حقوق همسایه، در عین حال بعضی از اتفاقاتی که در همسایگی‌اش می‌افتد را ناگزیر می‌داند. مهم این تلقی است؛ یعنی باید یاد بگیریم که همسایه آزاری نکنیم.

تلاشمان این باشد که همسایه‌مان بفهمد که تمام تلاش ما این است که حریم همسایه را حفظ کنیم، بفهمد که واقعاً نگران هستیم، بفهمد حق شناس هستیم و تفقد و محبت می‌کنیم. ولی وای اگر شعارمان چهاردیواری اختیاری شود. اینکه طرف نصف شب مهمانی برگزار کند و سروصدای زیاد و درب‌خانه همسایه برود و بگوید اتفاق افتاده و مهمان آمده، شما اگر اذیت شدید ببخشید، یا فردا که در راه می‌بیند می‌گوید ببخشید که اذیت شدید، فرق می‌کند تا اینکه به خودش حق بدهد و بگوید چهاردیواری اختیاری، خانه خودم است و هر کس تحمل ندارد به خودش مربوط است. فرهنگ عذرخواهی و حق‌شناسی، در دین ما توصیه شده است، روایت در این باب بی‌شمار است؛ یعنی هم توصیه به خوش‌همسایگی و هم پرهیز از همسایه آزاری. حقوقی که در روایت آمده خیلی جالب است. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق وقتی حق همسایه را مطرح می‌کند می‌فرماید: «**اما حق جارک فحفظه** غائباً»، یعنی وقتی نیست حفظش کنی. چقدر مهم است، حفظ عام است، هم ابرویش را حفظ کنی و هم خاتمش را مراقبت کنی. وقتی همسایه من این دغدغه را می‌فهمد دیگر آن آزار را تحمل می‌کند، می‌فهمد که همسایه‌اش یک انسان اخلاقی و رشد یافته است. یا فرمود: «**اكرامه شاهداً**»، یعنی بهش احترام کن، وقتی می‌بینیش احترام بگذار؛ «**ونصره اذا كان مظلوماً**» وقتی مظلوم واقع شد یاری‌اش کنی، جایی اگر گرفتار شد و به او ظلم شد حمایتش کنی؛ «**ولا تتبع له عوره**»، دنبال عیب‌هایش نباشید. بعضی‌ها

عیب‌جو هستند؛ همسایه کی می‌رود و کی می‌آید یا چه مشکلی پیش می‌آید که آن را برجسته کند و به همسایه‌های دیگر اطلاع بدهد. این توصیه‌ها اتفاقاً با زندگی آپارتمان‌نشینی ما خیلی سازگارتر است، یعنی من عیب همسایه را حفظ کنم. گاهی دزدگی‌های آپارتمان‌نشینی اتفاقاتی پیش می‌آید مثل اینکه زن و شوهری دعوا کنند و درگیری آن‌چنانی پیدا کنند، کی باید حفظ کند؟ همسایه باید حفظ کند، نه اینکه همسایه به همسایه دیگر بگوید و منجر به جری شدن نسبت به یکدیگر شود. یا فرمود: «**فان علمت علیه سوءً سترته علیه**»؛ اگر از او بدی دیدی آن را مستور کنی. حتی گفته: «**وتغفر ذنبه**»، گناهش را ببخشی و «**تعاشره معاشره کریمه**»؛ با او معاشرت کریمانه داشته باشید. آموزه‌های بسیاری در این زمینه آمده است. نهایتاً اینکه باید برای جامعه امروزمان و متناسب با اخلاق آپارتمان‌نشینی فرهنگ نامهای را تعریف کنیم و الزامات اخلاقی قرار بدهیم. یک اخلاق همسایگی تدوین کنیم و آن را آموزش بدهیم. این آموزش باید همراه با روش‌های مناسب باشد، رسانه از یک طرف، آموزش پرورش از یک طرف، خانواده‌ها از یک طرف، مسئله همسایه را جدی بگیرند؛ ما جدی نگرفته‌ایم. آب و نان و غذا و حتی ارتباط در خانواده تا حدی جدی است، هرچند بخشی از آن هم دارد رنگ می‌بازد، ولی فکر می‌کنم دین می‌خواهد مسئله همسایه جدی گرفته شود تا در مسند جدی بودنش خانواده قوت پیدا کند. وقتی خانواده قوت پیدا کرد، تک‌تک افراد آدم‌هایی مسئول می‌شوند که نسبت به خودشان، هم‌نوع و محیط



پیرامون مسئولیت اخلاقی دارند. توصیه دین نمی خواهد فقط به مسئله همسایه بپردازد، بلکه می خواهد در قبال مسئله همسایگی و اخلاق همسایگی ابعاد اخلاقی دیگر انسان شکل بگیرد و بتواند آن را ظهور و بروز بدهد. فضائل و ملکات اخلاقی جامعه در بستر آن جامعه رشد بکند و بتوانیم آن را در جامعه خودمان ببینیم.

**پایش:** با توجه به فرمایشاتی که داشتید دو سه تا از سوالاتی که خواستم مطرح کنم لابه لای بحث مطرح شد. یکی اینکه چه راهکارهایی برای برطرف کردن آسیب‌ها هست؟ فرمودید توجه اصلی باید به بحث حقوق همسایه باشد، چه از جهت آموزش و چه از جهت معماری که آن هم در حقوق همسایه مهم است. برای جمع بندی بحث برطرف کردن آسیب‌های همسایه داری فرمودید با توجه به متون دینی و روایات یکی بحث خوبستن داری و حتی خوبی کردن است. نکته دوم هم بحث آموزش برای عموم افراد است و خیلی مهم است که هم به حقوق و وظایف آشنا شوند و هم از جهت اینکه به همدیگر آسیبی نرسانند و بدانند ظلم است. حالا غیر از این بحث همسایه آزاری و آسیبی که وجود دارد، آسیب عمده دیگری وجود دارد که در ظاهر همسایه آزاری نیست و شخص کاری انجام می‌دهد که به خودش مربوط می‌شود. اینجا دیگر بحث چهار دیواری اختیاری خیلی بیشتر بروز پیدا می‌کند مثال قبل در مورد این بود که شخصی در خانه خودش نشسته یا صدای پخش را زیاد می‌کند و مهمانی ناچور می‌گیرد و سروصدا ایجاد می‌کند چه شرعی باشد یا نباشد. ولی گاهی بحث زدودن حیا است، مثلاً خانمی با یک وجهه بد با یک

حجاب و ظاهر نامناسب از نظر دین وارد محیط آپارتمان می‌شود یا در آسانسور یا در راه پله یا در حیاط مجتمع؛ ظاهر این است که ربطی به همسایه آزاری ندارد ولی در باطن مرتبط است، چون بالاخره آزار است ولو به صورت غیر مستقیم. دین برای برطرف شدن این قسم از آسیب‌ها آیا راهکاری دارد که به طور مستقیم بیان کرده باشد؟ سؤال جدی است، یکی از آسیب‌ها و مسائلی که در بحث همسایه داری است مسئله حیا و عفت است. فکر می‌کنم این بحث جالب‌هایی جدی را با خودش همراه دارد و مسائل و مشکلات زیادی را با خود پیش می‌آورد مخصوصاً هر چه به این سمت می‌رویم که ابزارها و امکاناتی جامعه بشری دارد به ظاهر با آن رشد می‌کند و تکنولوژی را به خدمت خودش گرفته است و بحث ماهواره و اینترنت و شبکه‌های مجازی و اجتماعی به این مسئله دامن می‌زنند بحث بی‌حیایی و از بین بردن مسئله حیا در ساختمان‌های آپارتمانی به نظرم برمی‌گردد به اینکه ما باید در سازوکار و ساخت آپارتمان فکر جدی شود که چگونه می‌توانیم قبل از اینکه کسی در دامن بی‌حیایی بیفتد، ما پیش‌گیری کنیم؟ یعنی منازل و ساختمان‌ها را طوری طراحی کنیم که کمترین آسیب و دغدغه ایجاد شود.

خیلی جالب است که در قدیم اینطور بود درب‌هایی که می‌ساختند دو نوع کوبه را داشت؛ کسی اگر کوبه ظریف را می‌زد مشخص می‌شد که خاتم پشت در است و اگر کوبه درشت‌تر را می‌زد مشخص می‌شد که مردی پشت در خانه است. این قدر رعایت و حفظ

می‌شد که وقتی دم در می‌آید متوجه باشد که مردی پشت در است، این دقت‌ها را می‌کردند. ممکن بود که کسی شیطنت کند و مرد باشد ولی کوبه ظریف را بزند، با این کار نداریم. ما چه باید بکنیم که تا وقتی می‌توانیم این زمینه و ظرفیت را ایجاد کنیم که کم‌کم رنگ و بوی ساختمان و فیزیک و ساختار ساختمان کمک کند به اینکه حسی در من ایجاد شود که کمتر به این بیندیشم که حریم عفاف را زیر پا بگذارم. بعضی الزاماتی ایجاد کرده‌اند مثل نوع پنجره‌هایی که نصب می‌شود یا اینکه که حتماً باید از شیشه‌های مات استفاده کنید، این الزامات کمک می‌کند ولی در عین حال فکر می‌کنم مسئله حیا و عفاف و حفظ این شرایط، درونی‌تر شود و تا وقتی مسئله آموزش و تبیین ارزش و ضد ارزش اتفاق نیفتد ما نمی‌توانیم چاره درستی پیدا کنیم در مسئله آپارتمان‌نشینی مشکلات هست، همان‌طور که در همسایگی غیر آپارتمان‌نشینی همین مشکلات است، همین‌طور که در خانواده‌ها و محیط‌های دیگر نیز این مشکلات هست.

در روایت آمده است که اگر کسی به تو نزدیک باشد، به واسطه مؤمن بودنش حقی بر گردن تو دارد و به واسطه مسلمان بودنش حقی بر گردن تو دارد ولی همسایه بودنش اصلاً حق جدایی ایجاد می‌کند.





**پایش:** بعضی چیزها را خود آچار تمان نهادینه می‌کند؛ مثلاً آشپزخانه این است و خانم خجالت می‌کشد و اذیت می‌شود جلوی مهمان بایستد و ظرف بشوید و غذا درست کند و یواش یواش کنار می‌گذارد و مشکل به تدریج ایجاد می‌شود. خطوات شیطان است خطوه خطوه و گام به گام پیش می‌آید؛ مثلاً طرف متوجه نمی‌شود، در را باز می‌کند و می‌بیند دختر همسایه بیرون آمده است.

بله مشکل‌گمان این است که حساسیت‌ها کم می‌شود. حساسیت اخلاقی ممکن است حساسیت مرد نسبت به خانمش باشد، همان غیرتی که می‌گویید؛ ممکن است حساسیت خود خانم نسبت به عفاف که دارد و باید حفظ کند باشد. وقتی این حساسیت اخلاقی کم شود و پایین بیاید فکر می‌کنم کم کم از ارزش فاصله می‌گیرد و دیگر حفظ کردن حیا ارزش شناخته نمی‌شود و یک امر عادی تلقی می‌شود. همین‌طور که فرمودید خود آچار تمان این فضا را ایجاد می‌کند؛ مثلاً وقتی در آچار تمان مشاهده می‌کنم خانم فلاتی این‌طور راحت رفت‌وآمد می‌کند اگر یک بار خانمم را در محیط ساختمان دیدم می‌گویم خب حالا شاید این‌طور نباشد. می‌خواهم بگویم این ارزش‌ها چون نهادینه نشده است با این مشکلات مواجه هستیم، ولی در درجه اول باید این آموزش دقیق و تبیین دقیق نظام ارزشی در خانواده‌ها اتفاق بیفتد یعنی کار را باید انجام بدهیم و اینکه محیط آچار تمان را با مسئله حیا درگیر کنیم، در درجه اول به ساختار و

فیزیک ساختمان برمی‌گردد. باید طراحی و فکر کنیم که چطور می‌شود ساختمانی طراحی کنیم که این رفت و آمدها و ارتباطاتی که اتفاق می‌افتد به سمت بی‌حیایی کشیده نشود؛ مثلاً طوری طراحی کنیم که به سمت خانواده‌هایی ببریم که اقوام هم هستند یا کسانی که کمتر می‌بیتیم شناخته شده هستند، هر چند ممکن است این طرح‌ها آسیب‌های خودشان را داشته باشند، ولی می‌توانند به عنوان سیاست پیگیری شوند که کمتر با این مشکل مواجه شویم. ضمن اینکه سیاست‌های کلان مسئله آموزش در رسانه مطرح است، خود فضای آچار تمان به گونه‌ای طراحی شود یا اصلاً سیاست‌گذاری فرهنگی شود که در این فضا مسئله نهادینه شدن اخلاق را داشته باشیم؛ شهرداری یا متولیان امر می‌توانند این سیاست‌گذاری و کار فرهنگی را داشته باشند.

**پایش:** به نظر می‌رسد پیوست فرهنگی که حضرت آقا فرمودند باید به نقشه ساختمان بخورد.

بله دقیقاً بحث حیا آموزش داده شود، بحث آسیب‌ها مطرح شود و از کارشناسی دعوت شود که این‌ها را روشن و آگاه کند. خانواده‌ها گاهی توجه ندارند که بچه‌های جوانشان در این خانه‌ها زندگی می‌کنند ولی بدون اینکه آنها متوجه شوند اتفاقات و فعل و انفعالاتی رخ می‌دهد که آنها غافل هستند؛ این‌ها باید از قبل پیش‌بینی شود. در بحث‌های اخلاقی بحث پیش‌بینی پذیری را داریم که می‌گویند قبل از اینکه شرایطی پیش بیاید، پیش‌بینی کنید و بر اساس آن اقدام به سیاست‌گذاری، آموزش و عمل کنید که منجر به حوادث و اتفاقات ناگوار نشود. این پیش‌بینی

تهیه بسته فرهنگی، با تکیه بر اخلاق همسایگی و حیا در محیط‌های آچار تمان نشینی به صورتی که قابل تبیین توسط خانواده‌ها برای فرزندان‌شان، مسئولان آچار تمان‌ها برای اعضا و سیاست‌گذاران کلان‌شهری برای شهروندان باشد، کمک زیادی به حل خیلی از معضلات آچار تمان نشینی خواهد کرد.

پذیری می‌تواند فردی یا یک سیاست کلان باشد که برنامه‌ریزی کنند و بر اساس آن خانواده‌ها را آگاه کنند که چه معضلات و مشکلاتی ممکن است متوجه افراد بشود. برای این‌ها برنامه‌ریزی کنند و آموزش بدهند تا حداقل از این فضاها جلوگیری بشود زندگی آچار تمان نشینی و هم‌جواری در ساختمان‌های آچار تمانی با این شکل موجود، لاجرم آسیب‌های جدی دارد که مسئله خانواده یعنی آن پیوست اعضای خانواده به یکدیگر و مسئولیت اخلاقی افراد در برابر یکدیگر می‌تواند چاره کار باشد، وگرنه اگر بخواهیم صرفاً به صورت بیرونی حل کنیم واقعاً شاید دشوار باشد.

**پایش:** در هر حال با همه خانواده‌ها نمی‌توانیم در حد یک خانواده با ایمان با مراتب بالاتر برخورد کنیم و از آنان انتظار داشته باشیم.

بله، در بحث آموزش اخلاق یا آموزش فرهنگ و مسائل اخلاقی بعضی از پژوهشگران اصلی را



کلان‌شهری برای شهروندان ارائه کنند فکر می‌کنم به‌عنوان یک اصل می‌تواند به حل بخشی از این مشکلات کمک کند.



مطرح کرده‌اند که اگر بخواهیم آموزش بدهیم چه چیزی مقدم است؟ اگر شما بتوانید اخلاق درون فردی را در افراد مستقر کنید مثلاً می‌خواهید احترام را به کارمندان یک مجموعه آموزش بدهید، اگر شما احترام به نفس، عزت نفس و اخلاق درون فردی را به آنها آموزش بدهید در مسائل بیرونی هم می‌توانید موفق باشید. حالا چگونه می‌توانیم این کار را بکنیم؟ بعضی از مسائل اخلاقی تا انسان با خودش کنار نیاید و مسئله را حل نکند واقعاً کاری از عامل بیرونی برنمی‌آید. عامل بیرونی فقط می‌تواند مانع شود و یا فقط می‌تواند کمک کند، ولی اخلاق همیشه باید در درون اصلاح شود. گاهی الزام حقوقی می‌آید که همسایه نباید اینطوری باشد، این الزام حقوقی و بیرونی در پیش قانون و جریمه است؛ بلکه ممکن است کسی از ترس جریمه این کار را نکند؛ ولی گاهی اخلاق از درون می‌جوشد. می‌گویند اخلاق درون شخصی اولی از اخلاق بین شخصی است؛ یعنی اگر ما بتوانیم ویژگی‌های درونی‌اش، عزت نفس و احترام نفس فرد را فعال کنیم این آدم دیگر بی‌حیایی نمی‌کند؛ چرا؟ چون فرمود «من هانت علیه نفسه کثرت خطیئته»: کسی که نفسش برایش بی‌ارزش می‌شود ممکن است هر خطایی را انجام دهد. اگر ما بتوانیم با تکیه بر اخلاق همسایگی و حیا در محیط‌های آپارتمان‌نشینی بسته‌ی آموزشی را تهیه کنیم که خانواده‌ها برای فرزندان‌شان، مسئولان آپارتمان‌ها برای اعضا و سیاست‌گذاران